

تأملی در تبدیل خط فارسی به خط واج‌نگار

خط فارسی و لزوم اصلاح آن



امید طبیب‌زاده

زبان‌شناس و دانشیار دانشگاه بوعلی همدان. از وی تاکنون آناری همچون «ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز» و «دستور زبان فارسی: براساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی» منتشر شده است.

لاتین، از خطی با نویسه‌های عربی استفاده کنیم، مانند خط کردی سورانی که امروزه در کردستان عراق از آن استفاده می‌شود. این خط گرچه با نویسه‌های عربی نوشته می‌شود، کم‌وبیش واج‌نگار است و بسیاری از مشکلات خط نیمه‌هجایی فارسی را ندارد؛ یعنی می‌توان با تغییراتی جزئی در خط فعلی خودمان، هم این خط را حفظ کنیم و هم در عین حال، به خطی واج‌نگار مبدلش سازیم. این راه به نظر مقرون به صرفه‌تر از راه قبل می‌آید، زیرا اولاً انقطاع فرهنگی شدیدی بین نسل‌های آینده و میراث مکتوب قدیمشان شکل نمی‌گیرد و ثانیاً حساسیت عالمان دینی را نیز بر نمی‌انگیزد. توضیح اینکه در خط واج‌نگار جدید، از یک سو نویسه‌ها بر سر جای خودشان باقی می‌مانند و در نتیجه، گذرا از خط جدید به خط قدیم برای نسل‌های آینده چندان مشکل نخواهد بود و از سوی دیگر، خط همچنان عربی باقی می‌ماند و بر ارتباط با متون دینی و مذهبی، خدش‌های وارد نمی‌آید.

اما به نظر اینجانب، پرداختن به اصلاحات کلان در مورد خط فارسی، پیش از احقاق برخی مقدمات ضروری، هرگز میسر نخواهد بود. بزرگ‌ترین مشکل خط فارسی در حال حاضر، نایکدست بودن آن است. مثلاً ما هنوز به اجماعی قاطع در مورد «سیاسی‌ام»، «سیاسی ام»، «سیاسیم» و «سیاسی م» نرسیده‌ایم. یا اینکه هنوز بین «می نویسم»، «می نویسم» و «مینویسم» سرگردان هستیم و معلم‌های مدارس ابتدایی ما بسیاری از این صورت‌ها را در املاهای دانش‌آموزان ابتدایی غلط نمی‌دانند. البته فرهنگستان زبان، مخصوصاً با انتشار کتاب ارزشمند «فرهنگ املاهای خط فارسی»، قدم بسیار مهمی در رفع این مشکل برداشته است، اما تا زمانی که ضمانتی اجرایی برای رعایت مفاد مندرج در آن کتاب وجود نداشته باشد، وضع ما عملاً هیچ تفاوتی با وضعیتمان در پیش از انتشار این کتاب، نخواهد داشت.

خط فارسی از حیث یکدستی باید به جایی برسد که در آن مثلاً از میان سه شکل «می نویسم»، «می نویسم» و «مینویسم»، فقط یکی صورت صحیح قلمداد شود و دو صورت دیگر کاملاً غلط محسوب شوند؛ همان‌طور که مثلاً در بین دو صورت «سیاس‌گزار» و «سیاس‌گزار»، اولی صحیح و دومی غلط است یا در بین سه صورت «مساوات» و «مساوات» و «مساوات» فقط اولی صحیح و دوتای دیگر کاملاً غلط است. اگر خط فارسی حتی با همین شکل و سیاقی هم که اکنون دارد فقط یکدست یا به اصطلاح معیار شود، بسیاری از مشکلات آن، که عمدتاً به مسائل پردازش کامپیوتری زبان و خط فارسی مربوط می‌شود، حل خواهد شد. دیگر اینکه تا خط فارسی به‌طور کامل معیار نشود، نمی‌توان به تغییرات بنیادین‌تر در آن امیدوار بود.

نکته‌ی دیگری که مایلیم به آن اشاره کنیم این است که بدون ایجاد اصلاحات بنیادین در خط فارسی و فقط با یکدست کردن آن و البته ایجاد یکی دو تغییر کوچک در آن، بسیاری از مسائل مربوط به پردازش زبان و خط فارسی حل خواهد شد. اما اهمیت این تغییرات کوچک به حدی است که اگر علمای زبان‌شناس و ادیب در فرهنگستان زبان آن را به درستی انجام ندهند، عاقبت مهندسان کامپیوتر و برنامه‌نویسان رأساً بدان اقدام خواهند کرد و ای بسا به علت نیاز جامعه نیز ابداعات غیرکارشناسانه‌ی آن‌ها به سرعت پذیرفته شود. مهم‌ترین تغییری که باید در خط فارسی صورت گیرد تا پردازش آن با سهولت بسیار بیشتری میسر شود، مسئله‌ی نمایش کسره‌ی اضافه با یک نویسه‌ی مستقل است. اگر مصوت‌های کوتاه فارسی نیز با نویسه‌های مستقلی (و نه با علائم زیروزبری) نمایش داده شوند، این خط به مرحله‌ای بسیار عالی از حیث مراتب تحول خود می‌رسد، و بسیاری از مشکلات آن، چه در آموزش زبان و چه در کار پردازش خط، حل می‌شود. ■

* به معنای «من سیاسی هستم».

درباره‌ی خط فارسی آثار بسیاری نوشته شده است، چنان‌که تنها معرفی و بحث درباره‌ی آن‌ها، خود نیازمند رساله‌ی مفصل و مستقلی است. در این آثار همچنین با نظرات گوناگون و متضادی روبه‌رو می‌شویم. برخی بر حفظ همین خط اصرار دارند و برخی دیگر از تبدیل آن به خط لاتین دفاع می‌کنند، برخی تبدیل این خط به خط واج‌نگار لاتین را نشانه‌ی کفر و ارتداد می‌دانند و برخی دیگر آن را یگانه‌راه پیشرفت و بهروزی ملت ایران قلمداد می‌کنند. نگارنده در این مختصر، نظر خود را درباره‌ی خط فارسی و مسائل آن بیان می‌دارد.

زبان‌شناسان بهترین خط را خطی می‌دانند که در آن، هر واج زبان، با یک و فقط یک نویسه نمایش داده شود و هر نویسه نیز مبین یک و فقط یک واج باشد. در این معنا، خط فارسی به هیچ وجه خط مناسبی نیست، زیرا در آن مثلاً از چهار نویسه‌ی «ز»، «ذ»، «ض» و «ظ» برای نمایش یک واج واحد «Z/» استفاده می‌شود یا مصوت‌های کوتاه (/a, e, o/) در آن مطلقاً نمایش داده نمی‌شود یا یک نویسه (مثلاً «و») گاه مبین چند واج است (مثلاً آورد /V/، یارو /U/، بُود /O/ و غیره).

اگر قرار باشد برای زبانی که تاکنون هیچ خطی نداشته است خط تازه‌ای وضع شود، بهترین خط، همانا خط واج‌نگار خواهد بود. اما در علوم انسانی، بین شرایط ایده‌آل و شرایط واقعی، همواره تفاوت‌های عظیمی وجود دارد؛ به حدی که تجویز نسخه‌ای که به شرایط ایده‌آل مربوط می‌شود، برای شرایط واقعی ممکن است گرفتاری‌ها و ای بسا مصائب عظیمی از پی داشته باشد. زبان فارسی دارای میراثی

هزار و چندصدساله از متون نوشتاری است که هر روز نیز بر حجم آن افزوده می‌شود. بدیهی است تبدیل خط چنپن زبانی به مثلاً خطی واج‌نگار با حروف لاتین، به منزله‌ی قطع ارتباط نسل‌های آینده با آن میراث فرهنگی عظیم خواهد بود. برخی ترکیه را به عنوان مثالی برای این قطع ارتباط فرهنگی مطرح می‌کنند، اما به نظر نگارنده، حجم میراث مکتوب به خط ترکی، در آن زمان که خط ترکی به خطی لاتین مبدل شد، به هیچ وجه قابل مقایسه با میراث فرهنگی خط فارسی در زمان حاضر نیست؛ یعنی انقطاع فرهنگی ناشی از تغییر خط در مورد زبان فارسی برای ایرانیان بسیار عمیق‌تر و پرضررتر از آنچه در ترکیه رخ داد خواهد بود. از سوی دیگر، بسیاری از علمای شیعه در ایران، به درستی زبان فارسی را زبان دوم اسلام و زبان نخست شیعه می‌دانند و برای این زبان و مخصوصاً خط آن، حرمت خاصی قائل هستند و این امر نیز سبب می‌شود که مسئله‌ی تغییر خط فارسی به خطی با حروف لاتین در ایران، مبدل به امری بسیار پیچیده و پرهزینه گردد.

اما برای دست یافتن به خط واج‌نگار، راه حل دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه به جای استفاده از خطی با حروف